

دوفصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،  
سال شانزدهم، شماره سی ام (بهار و تابستان ۱۴۰۳)

## The Strategy of Taqiyya in the Thought and Debates of Sheikh al-Mufid: A Synthesis of Tolerance, Defense, and Theological Innovation

Nasrin Kordnezhad<sup>1</sup>

### Abstract

This research aims to elucidate the function of the taqiyya strategy in the theological thought and practical conduct of Sheikh al-Mufid, focusing on an analysis of the content of his debates. The findings indicate that Sheikh al-Mufid, with his profound understanding of the social, political, and intellectual conditions of his time, employed "taqiyya" on three levels: precautionary (khawfi), conciliatory (mudarati), and argumentative (istidlali). He utilized this strategy not as a passive method, but as an active and rational tool for managing interfaith interactions. This was done to preserve religious identity, clarify doctrinal teachings, and strengthen the Imami theological discourse. The research method is descriptive-analytical, and its data has been gathered through library sources and content analysis of theological and historical texts, particularly the recorded debates of Sheikh al-Mufid with the intellectual figures of his era. The outcome of this research is the articulation of a systematic and flexible model of taqiyya as an active discursive strategy. This model played a pivotal role in the dynamism of the Imami theological school and the expansion of scientific interactions and discussions. This paradigm can serve as a basis for understanding similar approaches in the history of Shiism and for analyzing contemporary religious interactions.

**Keywords:** Sheikh al-Mufid, theological debates, theological strategy, taqiyya, taqiyya al-mudārāt (conciliatory), taqiyya al-khawf (precautionary).

---

<sup>1</sup> - Assistant professor, Department of Quranic and hadith Sciences, Hoda Faculty of Theology and Islamic Studies, (Corresponding author), [hoda.drkordnezhad@hu.jz.ac.ir](mailto:hoda.drkordnezhad@hu.jz.ac.ir)



## راهبرد تقيه در اندیشه و مناظرات شيخ مفيد؛ تلفيق مدارا، دفاع و نو آوري كلامي

نسرین کردنژاد<sup>۱</sup>

### چکیده

این پژوهش با هدف تبیین کارکرد راهبرد تقيه در اندیشه کلامی و سیره عملی شيخ مفيد، با تمرکز بر تحليل محتوای مناظرات وی صورت پذیرفته است. یافته‌های تحقيق نشان می‌دهد که شيخ مفيد با درک عمیق از شرایط اجتماعی، سیاسی و فکری عصر خویش، تقيه را در سه سطح خوفی، مداراتی و استدلالی به کار بسته است. وی از این راهبرد نه به‌عنوان روشی کنش‌پذیر، بلکه به‌مثابه ابزاری فعال و عقلانی برای مدیریت تعاملات بین مذهبی در جهت حفظ هویت مذهبی، تبیین آموزه‌های اعتقادی و تقویت گفتمان کلامی امامیه بهره برده است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های آن از طریق بررسی اسناد کتابخانه‌ای و تحليل محتوای متون کلامی و تاریخی، به‌ویژه مناظرات ثبت‌شده شيخ مفيد با شخصیت‌های فکری عصر خود فراهم آمده است. دستاورد این تحقيق، تبیین الگویی نظام‌مند و منعطف از تقيه به‌عنوان یک راهبرد گفتمانی فعال است که نقش محوری در پویایی مکتب کلامی امامیه و گسترش تعاملات و مباحثات علمی ایفا نموده است. این الگو می‌تواند مبنایی برای فهم رویکردهای مشابه در تاریخ تشیع و تحليل تعاملات مذهبی معاصر باشد.

**کلیدواژگان:** مناظرات شيخ مفيد، راهبرد کلامی، تقيه مداراتی، تقيه خوفی.

---

<sup>۱</sup> - استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، تفسیر تطبیقی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی، (نویسنده مسئول)،  
hoda.drkordnezhad@hu.jz.ac.ir

تقیه به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین فقه و اندیشه شیعی، از ابتدای پیدایش تشیع هم‌پای تحولات سیاسی-اجتماعی جهان اسلام، نقشی مهم در تبیین راهبردهای کنش شیعیان ایفا کرده است. این مفهوم ریشه در آیات قرآن و سنت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) دارد و در طول تاریخ، کارکردهای متنوعی یافته؛ از ابزاری برای حفظ امنیت و بقای پیروان، تا راهبردی برای مدیریت اختلاف‌ها و تعامل با دیگر مذاهب اسلامی. در دوره آل‌بویه در بغداد (قرن چهارم هجری) - عصری که اختلافات فرقه‌ای و چالش‌های عقیدتی شدت یافته بود- تقیه می‌توانست نقشی فراتر از یک توصیه فردی به خود بگیرد و به استراتژی جمعی برای حفظ وحدت و کاهش تنش بدل شود. در این میان، محمدبن محمدبن نعمان (معروف به شیخ مفید، ۴۱۳-۳۳۶ق)، از بزرگ‌ترین عالمان و متکلمان شیعه، جایگاهی ویژه در تاریخ فکر اسلامی دارد. حضور پررنگ او در بغداد، کانون رقابت و گفت‌وگوی مذاهب مختلف، و مشارکت فعال در مناظرات علمی با اهل‌سنت، معتزله و زیدیه، بستری را فراهم ساخت که در آن هم ضرورت دفاع عقلانی از آموزه‌های شیعه و هم اقتضای تدبیر و احتیاط سیاسی، در عمل عالمان دینی تبلور یافت. با این همه، حتی در دوران اقتدار نسبی شیعیان در بغداد، مباحثات علنی معمولاً با خطرات سیاسی و فشارهای اجتماعی همراه بود و مناظره، تنها فرصتی برای نقد فکری نبود؛ بلکه محل آزمون مهارت‌های تعاملی، مدارا و کاربست تقیه بود. با توجه به چنین زمینه‌ای، مسأله اصلی این پژوهش آن است که «شیخ مفید چگونه و با چه رویکردهایی از تقیه در مناظرات علمی و تعاملات خود با جریان‌های رقیب بهره جسته است؟» و این راهبرد را بیشتر در پاسخ به ملاحظات امنیتی و حفظ جان یا ازمنظر مدارات و تحقق همزیستی در جامعه چندفرقه‌ای بغداد به کار می‌برده است. به‌عبارت‌دیگر، آیا تقیه در اندیشه و سلوک او ابزاری برای دفاع غیرمستقیم از باورهای شیعی و حفاظت از پیروان در شرایط پرخطر بوده یا در کنار آن، کارکردی تعاملی برای کنترل تنش‌ها و زمینه‌سازی تولید معرفت-نیز می‌یافته است؟

واژه «تقیه» در لغت برگرفته از ریشه «وقی» به معنای محافظت، پرهیز و دفع ضرر است و به‌نوعی خودداری در برابر آسیبی جدی دلالت دارد. در زبان عربی، این واژه به معنای پوشاندن و نهان داشتن چیزی برای حفظ آن است. ابن‌منظور در لسان‌العرب می‌نویسد: «التَّقِيَةُ وَالتُّقَاةُ

بِمَعْنَى، يُرِيدُ أَنَّهُمْ يَتَّقُونَ بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَيُظْهِرُونَ الصُّلْحَ وَالْإِتِّفَاقَ وَبِاطْنُهُمْ بِخِلَافِ ذَلِكَ». (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۵، ۴۰۴) در اصطلاح فقهی نیز علمای فریقین تعاریف مشابهی ارائه کرده‌اند. شیخ مفید تقیه را «پنهان داشتن امر حق و کتمان اعتقاد در برابر مخالفان برای پرهیز از ضرر دینی یا دنیوی» می‌داند (مفید، ۱۴۱۴: ۱۳۷) و دیگر عالمان شیعه همچون علامه مجلسی نیز بر «پوشاندن اعتقاد حق در شرایط خاص به جهت مصالح مهم‌تر» تأکید نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ۳۹۹). فقهای اهل سنت نیز با عبارات مشابه مفهوم تقیه را پذیرفته‌اند. سرخسی فقیه حنفی در «المبسوط» می‌نویسد: «والتقية أن يقي نفسه من العقوبة بما ظهره وان كان يضمّر خلافه» و ادامه می‌دهد که این رفتار در شرایط اکراه جایز شمرده می‌شود (سرخسی، ۲۰۰۰: ج ۲۴، ۴۵).

تعاریف لغوی و اصطلاحی «تقیه» نزد عالمان شیعه و اهل سنت، عمدتاً حول حفاظت از جان، مال و دین و ضرورت مواجهه با تهدید و خطر سامان یافته است. در یک جمع‌بندی، می‌توان گفت تقیه واکنشی ضروری در شرایط سلطه، ستم یا تهدید تلقی می‌شود و هرگز یک راهبرد همیشگی و مطلق نیست (اعرابی، ۱۳۹۴: ۲۸۶-۲۷۵). محمدرضا مظفر در «عقائد الامامیه» این مفهوم را چنین توضیح می‌دهد: «التقية: هي كتمان الحق وستر الاعتقاد فيه، ومكاتمة المخالفين وترك مظاهرتهم بما يعقب ضرراً في الدين والدنيا». (مظفر، بی‌تا: ج ۱، ۱۱۹) وی هم چنین تقیه را امری مطابق عقل می‌داند و می‌نویسد: «وكلّ انسان إذا أحسّ بالخطر على نفسه أو ماله بسبب نشر معتقده أو التظاهر به لا بدّ أن يتكتم ويتّقي في مواضع الخطر وهذا أمر تقضيه فطرة العقول». (همان) مرحوم کاشف‌الغطا نیز در این زمینه می‌نویسد: فرقی نیست در این که تقیه از شخص کافر بی‌دین باشد یا از کافر دین‌دار، کافری که در پناه دولت اسلامی است یا از مسلمان غیرشیعه یا مسلمان شیعه؛ زیرا آنچه در تقیه مدار است، واجب بودن نگهداری چیزی است که نگهداری آن از نظر عقل یا شرع لازم است. (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۰: ج ۱، ۲۹۸)

بر این اساس، تقیه علاوه بر اینکه کنشی تدافعی است، رویکردی مصلحت‌اندیشانه و حتی سیاسی برای حفظ حیات فرد و جامعه و اولویت‌های کلان دین به شمار می‌رود. لازم به ذکر است که در دوران معاصر، شماری از اندیشمندان شیعی با رویکردی جدید، کارکردهای اجتماعی و تمدنی تقیه را برجسته ساخته‌اند که در بخش مبانی نظری، اشاره خواهد شد.

در پژوهش‌های موجود، تقیه عمدتاً در قلمرو فقهی و به‌منزله حکمی اضطراری در مواجهه با خطر بررسی شده است؛ آثاری همچون «تقیه از منظر فقهات، تاریخ و سیاست» (بنایی، ۱۳۹۱) که به ریشه‌های اجتهادی و پیامدهای سیاسی تقیه می‌پردازد و نیز پژوهش‌های فقه‌محوری مانند «مبانی فقهی تقیه مداراتی» (موسوی سنگلاخی، ۱۳۹۲) که بر ادله مشروعیت تقیه و اقسام آن متمرکز است، گواه این مدعا هستند. همچنین، مطالعات تطبیقی مانند مقاله «مشروعیت تقیه و احکام آن از دیدگاه مذاهب اسلامی» (مؤمنی، ۱۳۹۸) و «تقیه از نگاه مفسران و فقیهان فریقین» (اعرابی) بر وجه اشتراکی و فقهی این مفهوم در میان فرق اسلامی تأکید دارند. این نوشتار با عبور از نگاه صرفاً فقهی، در پی آن است تا با تحلیل محتوای مناظرات و آثار شیخ مفید نشان دهد که تقیه در اندیشه وی، تنها یک تکلیف شرعی یا واکنشی فردی نبود، بلکه به‌عنوان راهبردی فعال برای مدیریت منازعات و حفظ تعادل در عرصه تعاملات مذهبی و اجتماعی عمل می‌کرد. نویسنده در تلاش است با رویکردی تحلیلی و با استفاده از دسته‌بندی نظریه‌های تقیه (خوفی، مداراتی و استدلالی) شیوه‌های متعدد بهره‌گیری شیخ مفید از این راهبرد را در مواجهه با چالش‌های عصر خویش آشکار سازد. علاوه بر این، تبیین کارکردهای چندلایه تقیه نه‌تنها جایگاه اجتماعی و کلامی آن را روشن می‌سازد، بلکه درکی عمیق‌تر از راهبردهای عالمان شیعه در مدیریت تعارضات و حفظ انسجام مذهبی به دست خواهد داد.

## ۲- مبانی تقیه

مبانی نظری تقیه را می‌توان در اصول زیر صورت بندی کرد:

- الف- ضرورت حفظ جان و دفع ضرر:** مهم‌ترین دلیل جواز تقیه، حفاظت از جان و مال و آبرو است. آیه شریفه «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (آل عمران / ۲۸) به‌روشنی این جواز را اثبات می‌کند.
- ب- حفظ دین و عقیده:** گاهی برای استمرار فعالیت تبلیغی و حفظ دین، کتمان عقیده اصلی در شرایط ناامن ضرورت می‌یابد.

**ج- تقویت و یاری مؤمنان:** تقیه به‌عنوان ابزاری برای حفاظت و حمایت از جامعه مؤمنان قابل استفاده است. این بدان معناست که گاهی با تقیه، می‌توان مانع از آزار و اذیت دیگر مؤمنان شد.

**د- مصلحت اندیشی و حکمت:** کاربرد تقیه نشان‌دهنده دوراندیشی و حکمت و انتخاب راهی است که شرع براساس مصالح و مفاسد تجویز می‌کند.

**ه - نظریه‌های معاصر درباره تقیه:** در رویکردهای معاصر، تعریف و کارکرد تقیه ابعاد اجتماعی، استراتژیک و حتی تمدنی یافته است. آیت‌الله خویی آن را سازوکار و راهبرد دفاع از حق حیات، مال، کرامت می‌داند و بیان می‌کند هرگاه تقیه موجب تخریب و نابودی چیزی گردد که برای آن تشریح شده، تقیه‌ای در کار نیست (خویی، ۱۳۷۱: ۴۴۵۹). استاد شهید مطهری نیز ضمن تأکید بر وجه تعاملی تقیه، علاوه بر جنبه دفاعی، بر نقش تهاجمی و تدریجی آن برای اثرگذاری و حفظ ظرفیت فعال جامعه شیعی اشاره نموده است. وی تقیه را تاکتیکی معقول و خردمندانه در مبارزه برای حفظ بهتر و بیشتر نیروها می‌داند (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۷۸). این راهبرد را که سازگار با عقلانیت، عدالت، انسانیت و حقانیت است (همایون مصباح، ۱۳۹۳: ۱۳۴-۱۱۳) در واقع بخشی از سازوکار بقا و تداوم گفتمان شیعی معرفی می‌کند. این دیدگاه‌ها در مجموع تقیه را فراتر از یک حکم فقهی اضطراری، به‌عنوان ابزاری راهبردی و مبتنی بر عقلانیت جمعی بازمی‌شناسند که هم‌زمان کارکردهای دفاعی (حفظ موجودیت) و تهاجمی (بسط تأثیر اجتماعی) دارد. چنین تحلیلی نه تنها مشروعیت تقیه را در شرایط کنونی تضمین می‌کند، بلکه امکان بسط نظری آن را در چارچوب مفاهیم مدرنی مانند «استراتژی مقاومت» یا «سازگاری تمدنی» نیز فراهم می‌سازد.

### ۳- پیشینه تاریخی تقیه

ریشه‌های تقیه به دوران صدر اسلام بازمی‌گردد. آیاتی نظیر «إِلَّا أَنْ تَقُولُوا مِنْهُمْ نُفَاهٌ...» (آل عمران / ۲۸) و «إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...» (نحل / ۱۰۶) هر دو بر جواز تقیه در شرایط اکراه و تهدید تأکید دارند. روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) از جمله حدیث معروف امام صادق (علیه‌السلام): «التقية من دینی و دین آبائی ولا دین لمن لا تقیه له» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۲، ۳۹۹)، جایگاه بنیادی‌تر و فراتر از صرفاً یک حکم فقهی را برای تقیه بیان می‌کند. براساس تصریح

شیخ مفید، اهل بیت (علیهم السلام) تقیه را به عنوان ابزاری برای حفظ مصالح عالی اسلام و جامعه شیعی - خصوصاً در تقابل با خصومت و فشار حکومتی - به کار می‌بستند، زیرا در شرایطی که با خصومت شدید و دشمنی آشکار روبرو بودند، ابراز عقیده بدون تقیه می‌توانست منجر به انقراض شیعه شود.

#### ۴- اقسام تقیه

دانشمندان مسلمان، بر اساس روایات و آیات، تقیه را به اقسامی تقسیم کرده‌اند که هر یک دارای کاربرد و ظرافت‌های خاص خود هستند. مهم‌ترین اقسام آن در متن فقهی و کلامی شیعه و سنی، با اندکی تفاوت در دسته‌بندی، چنین بیان شده است:

##### الف- تقیه خوفی (اضطراری)

این قسم از تقیه، رایج‌ترین و شناخته‌شده‌ترین شکل تقیه است که در شرایطی صورت می‌گیرد که جان، مال یا آبروی فرد یا جمعی در معرض خطر جدی قرار دارد. در این حالت، فرد ناگزیر است برای حفظ جان و دفع خطر، عقیده یا گفتار خود را کتمان کند یا سخنی خلاف حقیقت بگوید. (خمینی، ۱۴۲۰: ۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۴۹۲) مبنای این قسم از تقیه آیه «إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً» (آل عمران / ۲۸) است که جواز تقیه را در صورت خوف از ضرر بیان می‌دارد.

##### ب- تقیه مداراتی (اجتماعی)

تقیه مداراتی یا اجتماعی، رویکردی حکیمانه در تعامل با مخالفان فکری است که با هدف جلب محبت، هم‌افزایی و ایجاد الفت و جلوگیری از تنش‌های مذهبی اعمال می‌شود. این نوع تقیه با نگاهی آینده‌نگر و با هدف زمینه‌سازی برای پذیرش حقایق در بلندمدت صورت می‌گیرد. امام خمینی این گونه تقیه را ابزاری برای تحقق وحدت کلمه و جلب محبت مخالفان بدون وجود عنصر ترس و ضرر می‌داند. (خمینی، ۱۴۲۰: ۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۴۹۱). سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) الگوی بارزی از این نوع تعامل ارائه می‌دهد. مواردی که امامان (علیهم السلام) در مدینه یا کوفه، با توجه به اکثریت اهل سنت، به



شکلی عمل می‌کردند که ضمن حفظ اصل عقیده، از ایجاد حساسیت شدید جلوگیری شود. روایت هشام کندی از امام صادق (علیه‌السلام) به‌وضوح بر این موضوع دلالت دارد که در آن امام به شیعیان توصیه می‌کنند با حضور در جمع‌های عمومی اهل سنت، شرکت در نمازهای جماعت آنان، عیادت از بیماران و تشییع جنازه‌هایشان، چهره‌ای نیکو از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) ارائه دهند (حر عاملی، بی‌تا: ج ۱۱، ۴۷۱). براساس تحلیل فقهایی مانند آیت‌الله خویی، این دستورات امامان (علیهم‌السلام) نه از موضع ضعف، بلکه با درک عمیق از مصلحت عمومی جامعه اسلامی صادر شده است. در شرایطی که یاران ائمه به تشیع شهرت داشتند، این رفتارها نشان‌دهنده نگرشی جامع‌نگر بود که هدف آن نمایش اخلاق نیکو، پرهیز از تعصب و معرفی چهره‌ای معتدل از شیعه بوده است. چنین رویکردی موجب می‌شد تا دیگران به ستایش پیروان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) پرداخته و راه برای هدایت آنان هموارتر شود (خویی، بی‌تا: ج ۵، ۲۷۴).

#### ج- تقیه کلامی یا فقهی (استدلالی / بیانی)

این نوع تقیه که شاید کمتر به‌عنوان یک «قسم» مستقل شناخته شود، به‌معنای احتراز از بیان صریح برخی آرا و استدلال با زبانی خاص یا با استفاده از ادله‌ای که برای مخالفان قابل قبول‌تر است، در مباحثات علمی و کلامی به کار می‌رود. هدف در این حالت، اقناع طرف مقابل، اجتناب از جنجال‌های بیهوده و پیشبرد بحث به سمت نتیجه مطلوب است. در این روش، حقیقت کتمان نمی‌شود، بلکه به‌گونه‌ای بیان می‌شود که بتواند بر دل‌ها و عقول مخاطبان اثر بگذارد. بدین منظور گاهی با استفاده از ظرافت‌های زبانی، مفهوم‌سازی‌های جدید، یا بیان عقاید در چارچوب‌هایی که برای مخالفان ملموس‌تر است، صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد مبنای این روش، مبتنی بر اصل «حکمت» و «موعظه حسنه» در دعوت به سوی پروردگار است (نحل / ۱۲۵). تبیین عقاید، خود نوعی دعوت است و باید با حکمت انجام شود.

#### ۵- بستر تاریخی، سیاسی و گفتمانی عصر شیخ مفید (بغداد، قرن چهارم و پنجم هجری)

برای درک عمیق‌تر کاربرد «تقیه» در مناظرات کلامی شیخ مفید، تحلیل بستر تاریخی، اجتماعی، سیاسی و کلامی بغداد در عصر آل بویه (۳۳۴-۴۴۷ ه.ق) امری ضروری است. این دوران، به‌منزله نقطه عطفی در حیات فکری و سیاسی تشیع در بخش‌های شرقی جهان اسلام

به‌شمار می‌رود. خاندان آل‌بویه، که عمدتاً دارای رویکردی شیعی بودند، از نیمه نخست قرن چهارم هجری کنترل بغداد و بخش وسیعی از قلمرو خلافت عباسی را به‌دست گرفتند. تسلط آل‌بویه بر بغداد به‌شدت موقعیت و اقتدار خلفای عباسی را تضعیف و اختیارات و قدرت آنان را محدود کرد. (صولی، ۲۰۰۴: ۲۵۹) آنان با شناسایی ضعف خلفای عباسی، به‌تدریج کنترل امور سیاسی و حکومتی را در دست گرفتند به‌طوری‌که اساس خلافت به‌کلی رو به‌ویرانی رفت (ابن‌خلدون، ۱۳۶۴: ج ۲، ۷۰۸). این سطره، نخستین فرصت تاریخی برای حضور علنی و قدرتمند شیعیان در قلب عالم اسلام پدید آورد. شیعیان از فشارهای سیاسی رهایی یافته و به فعالیت‌های علمی و فرهنگی پرداختند. دانشمندان و فلاسفه به تألیف آثار علمی و دینی پرداختند و به‌گسترش مکتب تشیع کمک کردند. علاقه و حمایت حکام و وزرای سلسله آل‌بویه به علم و دانش، ایجاد کانون‌های علمی و رصدخانه‌ها و تأمین امکانات رفاهی و خدماتی، به رشد و شکوفایی علمی و معنوی جامعه شیعه و رواج مذهب تشیع در این دوران کمک شایانی کردند. (یاقوت حموی، بی‌تا: ج ۶، ۳۵۹) با ایجاد چنین فضایی بحث و تبادل نظر میان پیروان مذاهب مختلف شکل گرفت. (مصاحب، ۱۳۸۷: ج ۱، ۲۰۳؛ زرین‌کوب، ۱۳۷۳: ج ۲، ۴۸۰) و جریان‌های فکری مختلفی شامل اهل سنت، معتزله و شیعیان به رقابت فکری پرداختند. شیعیان و معتزلیان با وجود اشتراک نظر در برخی اصول اعتقادی، در بسیاری از مبانی کلامی اختلافات عمیقی داشتند (بارانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۰۵). درمقابل، اهل حدیث که مخالف سرسخت عقل‌گرایی بودند، به‌عنوان جریان فکری سوم در این مناظرات حضور داشتند (جعفریان، ۱۴۱۳: ۵۰).

شیخ مفید در چنین فضایی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین متکلمان امامیه، نقش کلیدی در دفاع از مذهب خود ایفا نمود و با ابزار عقل و رفتار معقول که ناشی از تدبیر شایسته و میانه‌روی در امور است (غفوری‌منش و حمیدیان، ۱۴۰۱: ۱۴۰-۱۲۷) و نیز کارکردی معرفت‌زا دارد (علی تبار، ۱۴۰۰: ۱۴۰-۱۲۷) به تبیین و دفاع از اندیشه‌های امامیه پرداخت. او با تأسیس مراکز علمی، تربیت شاگردانی چون سید مرتضی و شیخ طوسی و نیز نگارش کتاب‌های بسیاری در حوزه‌های اعتقادی و کلامی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۹۹) به تدوین نظام فکری شیعه همت گماشت. با این حال، در کنار این فرصت‌ها، حاکمیت ظاهری خلافت عباسی و اهل سنت، وجود تعصبات مذهبی و سیاسی، جنگ‌های امرای محلی و حمله‌های مداوم مخالفان به عقاید شیعه،

چالش‌های عمده‌ای را پیش روی او قرار می‌داد (ابن‌مسکویه رازی، ۱۳۷۷: ج ۶، ۴۷۷)، به‌گونه‌ای که موفقیت در دفاع از عقاید شیعی، مستلزم بهره‌گیری از استراتژی‌های سنجیده بود. در این چارچوب است که به‌کارگیری «تقیه» از سوی شیخ مفید معنا می‌یابد. او تقیه را نه صرفاً به‌مثابه ابزاری اعتقادی، بلکه به‌عنوان راهبردی هوشمندانه در عرصه علمی و اجتماعی برای حفظ، تبیین و گسترش اندیشه شیعی به کار گرفت و با ظرافت و تدبیر، در مناظرات خود میان بیان حقیقت و لحاظ شرایط سیاسی و گفتمانی زمان، تعادلی سنجیده برقرار ساخت تا ضمن انجام وظیفه دینی در تبیین معارف، حداکثر صیانت از امت و مذهب را نیز لحاظ کند. وی با درکی عمیق از مقتضیات تاریخی و فرهنگی عصر خود و با اتخاذ موضعی میانه، از یک‌سو از افراط‌گرایی عقلانی معتزله و از سوی دیگر از نص‌گرایی افراطی برخی جریان‌های حدیثی فاصله گرفت و توانست تصویری معتدل و مستدل از عقاید امامیه ارائه دهد. (زرچینی، ۱۴۰۲: ۱۲۷-۱۵۸) بدین ترتیب، شیخ مفید نه تنها از عقاید شیعه در برابر اتهامات دفاع کرد، بلکه با حفظ هویت متمایز شیعی، جایگاهی شایسته برای این مذهب در میان دیگر مکاتب اسلامی ترسیم نمود.

#### ۶- تحلیل مناظرات شیخ مفید با مخالفان بر اساس انواع تقیه

مناظرات شیخ مفید با بزرگان کلامی و فقهی روزگار خود، جلوه بارزی از کاربست گونه‌های گوناگون تقیه در میدان‌های علمی، اجتماعی و حتی سیاسی است. در این بخش، گزیده مناظره‌ها همراه با متن مناظره (به‌صورت روایی-نقلی) و سپس تحلیل نوع تقیه به‌صورت مجزا ارائه و جمع‌بندی شده است.

#### ۶-۱- مناظرات با محوریت تقیه مداراتی

در این بخش، مناظراتی تحلیل می‌شوند که رویکرد غالب شیخ مفید در آن‌ها مبتنی بر تقیه مداراتی است. هرچند در پاره‌ای از این مناظرات، نشانه‌هایی از کاربست تقیه استدلالی نیز مشاهده می‌گردد، ملاک اصلی در تقسیم‌بندی حاضر، غلبه تقیه مداراتی در شیوه مواجهه و تعامل ایشان با مخاطبان است. شایان ذکر است که تقیه مداراتی نزد شیخ مفید عمدتاً با هدف حفظ آرامش اجتماعی، تقویت حسن تفاهم مذهبی و جلب قلوب مخالفان به کار گرفته شده

است و بستر اصلی ورود ایشان به مناظراتی با حساسیت اعتقادی به شمار می‌رود. آنچه در ادامه می‌آید، نمونه‌هایی از این رویکرد را به روشنی تبیین می‌کند.

### الف- مناظره با قاضی ابوبکرین سیار

در یکی از جلسات علمی بغداد، قاضی ابوبکرین سیار از علمای حنفی در بغداد از شیخ مفید پرسید که اگر نص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بر امامت علی (علیه‌السلام) آشکار و قطعی بود، چرا مردم از آن عدول کردند و این همه اختلاف پدید آمد؟ شیخ مفید با مقایسه این مسئله با معجزه شق القمر - که با وجود بداهت تاریخی اش انکار شد- توضیح داد که وجود اختلاف دلیل بر نبود نص یا معجزه نیست و عواملی چون شرایط اجتماعی و سیاسی، جهل و تعصب می‌توانند سبب انکار یا فراموشی حقیقت شوند. او تأکید کرد که نص پیامبر در غدیر و حدیث منزلت بیان شده، ولی بسیاری تحت تأثیر اوضاع زمانه مخالفت کردند؛ همان‌گونه که بنی اسرائیل با دیدن معجزات، گوساله‌پرست شدند. وقتی قاضی مجدداً گفت که این نص آنقدر آشکار نبوده که مردم بپذیرند، شیخ مفید پاسخ داد که حتی بدیهیات تاریخی نیز همیشه محل اختلاف بوده‌اند و این اختلاف نشانه نبود نص نیست. جلسه با سکوت قاضی و تأیید حاضران بر استدلال‌های شیخ پایان یافت (علم الهدی، ۱۴۱۳: ۲۲-۱۸).

**تحلیل مناظره و کاربست تقیه:** در این مناظره، شیخ مفید با آگاهی از حساسیت اجتماعی و دینی محیط، تقیه مداراتی را به‌طرز تحسین‌برانگیزی به‌کار گرفت. وی با اجتناب از مواجهه احساسی و رویارویی مستقیم با قاضی، گفت‌وگو را به سمت استدلال منطقی، مقایسه تاریخی و متنی سوق داد. انتخاب مثال «شق القمر» که خود یک امر قطعی نزد اهل سنت است، هوشمندانه بود و استدلال را به زبان مشترک جهانی منتقل می‌کرد. همچنین در تنظیم سخنانش هرگز فضای تهدید یا تکفیر ایجاد نکرد و با مراعات احوال مخاطبان، نوعی از "مدارا" را که وجه اصلی تقیه مداراتی است به نمایش گذاشت. از سوی دیگر، بخش عمده‌ای از کلام شیخ مفید، برپایه استدلال و تبیین منطقی استوار است. او با تحلیل دقیق مفاهیم و رد شبهات قاضی، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با استدلال به حقیقت رسید، حتی اگر آن حقیقت در ظاهر برای همه آشکار نباشد. این نوع تقیه، به‌معنای استفاده از ابزارهای عقلی و منطقی برای پیشبرد بحث و اثبات حقانیت در شرایطی است که ممکن است بیان مستقیم برخی حقایق با مقاومت روبرو شود.

### ب- مناظره درباره «افضلیت امیرالمؤمنین»

در مجلس شریف ابوالحسن احمد بن القاسم العلوی، با حضور شیخ مفید و گروهی از معتزله، جبریه و اهل حدیث، بحث افضلیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مطرح شد. شیخ مفید با استناد به حدیث طبر، که آن حضرت را محبوب‌ترین و برترین خلق نزد خدا می‌داند، افضلیت او بر همه امت جز پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نتیجه گرفت. مخالفان اشکال کردند که حدیث تنها از انس بن مالک نقل شده و او یا غیر موثق یا معاند است؛ همچنین معنای دعا را صرفاً همراهی در غذا دانستند. شیخ مفید در پاسخ گفت این حدیث با اجماع امت پذیرفته و در زمان صدور ردّ نشده است و احتجاج علی (علیه السلام) در روز شورا و سکوت حاضران، دلالت بر قطعی بودن افضلیت دارد. اشکال دیگر این که ممکن است بعدها کسی افضل از علی نزد خدا باشد نیز با این استدلال رد می‌کند که احتجاج علی (علیه السلام) و سکوت حاضران، دلالت بر قطعی بودن افضلیت دارد. همچنین داستان رفتار انس با علی (علیه السلام) و تمایلش به اختصاص فضیلت به انصار، تأییدی بر معنای برتری می‌داند. در نتیجه، شیخ مفید روایت را دال بر افضلیت قطعی علی (علیه السلام) می‌گیرد و برداشت مخالفان را ناشی از تأویل نادرست می‌شمارد (علم الهدی، ۱۴۱۳: ۱۰۸-۱۰۲).

**تحلیل مناظره و کاربست تقیه:** این مناظره در حضور طیفی متنوع از جریان‌های فکری شامل جبریه و معتزله و اهل حدیث برگزار شد؛ فضایی که هرگونه بیان صریح و بی‌ملاحظه می‌توانست به سرعت موجب تشدید کشمکش و واکنش‌های تند شود. در چنین شرایطی، شیخ مفید با کاربست راهبرد «تقیه مداراتی»، مباحث و استدلال‌های خود را به نحوی سامان داد که برای اکثریت حاضر در جلسه پذیرفتنی باشد. به این ترتیب او توانست مفاد استدلال خویش را در قالبی سازگار با ذائقه فکری حاضران عرضه کند و از برانگیخته شدن فضای خصومت یا رویارویی آشکار جلوگیری نماید. شاخصه‌های این رویکرد را می‌توان در چند محور تحلیل کرد: نخست، به کارگیری زبان مشترک از طریق استفاده از اصطلاحات فقهی و کلامی رایج و مقبول در میان اهل سنت، مانند «اجماع»، به جای مفاهیم اختصاصی شیعی، که زمینه گفت‌وگو را مشترک و بی‌طرف جلوه می‌داد. دوم، تمرکز بر وجه ایجابی با تأکید بر فضائل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بدون نفی آشکار منزلت دیگران، تا بحث خصلت سلبی و تنش‌آفرین پیدا نکند. سوم، آمیختن عقل و نقل؛ بدین معنا که شیخ مفید علاوه بر اتکا به نصوص دینی، از استدلال‌های

کلامی و عقلی نیز بهره گرفت تا مخاطبان علاقه‌مند به مباحث عقلی نیز بتوانند با جریان استدلال همراه شوند. چهارم، پایبندی به آداب مجالس علمی، به‌نحوی که با وجود نقد دیدگاه مخالفان، حرمت گفت‌وگو و ادب مناظره کاملاً رعایت شد و شخصیت علمی او همچنان موجه و محترم باقی ماند.

به این ترتیب مناظره نه تنها از مسیر تقابل مستقیم به سمت هم‌افزایی فکری سوق داده شد، بلکه توانست تصویری متعادل از دفاع علمی - کلامی شیخ مفید در فضای چندمذهبی بغداد ارائه دهد.

### ج) مناظره با شیخ زیدی درباره زیارت قبور

یکی از شاگردان به شیخ مفید گزارش داد که در گفت‌وگویی با طبرانی زیدی، او امامیه را متهم کرده که همانند حنبلیان به زیارت قبور و اعتکاف نزد آنها باور دارند و این عمل را نکوهش کرده است. شیخ مفید در پاسخ گفت: اگر چنین باشد، همه مسلمانان «حنبلی» اند؛ زیرا زیارت قبور از مسلمات اسلام و سنت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است. سپس به اجماع امت بر زیارت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و روایات معتبری چون شنیدن سلام از نزدیک و دریافت آن از دور، وعده بهشت به زائران حسن و علی (علیهماالسلام)، دیدار پیامبر با زائرانش در قیامت، و اجازه الهی برای زیارت قبر مادر پیامبر پس از نهی اولیه اشاره کرد. همچنین به سیره پیامبر در زیارت قبر حمزه (علیه‌السلام) و استمرار حضور فاطمه (علیهاالسلام) بر مزار ایشان تمسک جست. در پایان نتیجه گرفت که اگر این اعمال «حنبلی‌گری» است، اسلام و شخص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نیز به همین معنا «حنبلی» به شمار می‌آیند و این استدلال بی‌پایه است (علم الهدی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۳۱-۱۲۸).

**تحلیل و کاربست تقیه:** شیخ مفید در این مناظره با تکیه بر مشترکات مذهبی، به جای استدلال صرف بر مبانی خاص شیعه، از اجماع امت، سیره پیامبر و نمونه‌های مقبول همه مسلمانان (مانند قبر پیامبر، مادر پیامبر و حمزه) استفاده کرد؛ این همگرایی، فضای اتهامی مناظره را خنثی می‌کرد. ایشان با اجتناب از تحریک تعصبات فرقه‌ای به‌جای ورود مستقیم به بحث زیارت ائمه (علیهم‌السلام) به‌عنوان محور اصلی، ابتدا نمونه‌های غیر حساس‌تر را برجسته ساخت و سپس به‌صورت ضمنی نتیجه گرفت که زیارت قبور ائمه نیز در همان چارچوب قرار

می‌گیرد. همچنین با جمله «اگر این کار حنبلی‌گری است، پس رئیس حنبلیان رسول خداست» اتهام را به استدلالی علیه رقیب تبدیل کرد، بدون حمله شخصی یا تحریک فضای خصومت همراه شود. او با به‌کارگیری تقیه مداراتی، حقیقت را پنهان نکرد بلکه لحن و قالب استدلال را متناسب با ذائقه عمومی تنظیم نمود تا پیام شیعی را منتقل و همزیستی و احترام متقابل را در فضای چندمذهبی بغداد حفظ کند.

#### ۶-۲- مناظرات با محوریت تقیه استدلالی - کلامی

در بررسی مناظرات علمی شیخ مفید، گونه‌ای از رویکردهای او در چارچوب تقیه‌های استدلالی جلوه‌گر می‌شود؛ رویکردی که بدون ورود به تعریف مفهومی، در بستر مناظره و از خلال گزینش مقدمات مشترک، ادله متقن و زبان بی‌طرف، کارآمدی خود را نشان می‌دهد برخی از این قسم مناظرات عبارتند از:

#### الف- مناظره با کتبی (معتزلی)

در جریان یکی از مناظرات، کتبی معتزلی از شیخ مفید درباره دلیل بطلان خلافت ابوبکر پرسید. شیخ مفید در پاسخ تأکید کرد که امام باید از هر جهت بی‌نیاز از مردم باشد، حال آن‌که ابوبکر در ابتدای خلافت خود اعتراف کرد «از شما بهتر نیستم» و مردم را به اصلاح خطاهایش فراخواند. او همچنین به ماجرای اشاره کرد که فردی عرب به ابوبکر گفت: اگر از راه حق منحرف شدی، با شمشیر تو را بازمی‌گردانم. شیخ مفید نتیجه گرفت که ابوبکر نیاز خود به امت را آشکارا بیان کرده و در نتیجه شرایط امامت را ندارد. وقتی یکی از حضار این استدلال را درباره مقام قضاوت مطرح کرد، شیخ مفید تفاوت جایگاه امام و قاضی را یادآور شد و افزود اجماعی بر معصوم بودن قاضی وجود ندارد. همچنین تأکید کرد که ابوبکر، عمر و عثمان همواره نیازمند ارشاد و راهنمایی علی (علیه‌السلام) بودند و این امر، مشروعیت خلافت آنان را زیر سؤال می‌برد (شوشتری، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۰۰).

**تحلیل مناظره و کاربرد تقیه:** در این مناظره، اصلی‌ترین ویژگی رویکرد شیخ مفید، کاربرد تقیه استدلالی و بهره‌گیری از بیانی غیرمواجه‌ای است. او به جای تکیه صرف بر آموزه‌ها و ادله خاص کلامی شیعه، بادقت به شواهد و اظهاراتی استناد می‌کند که برای اکثریت مسلمانان -از جمله اهل سنت و معتزلیان- پذیرفتنی و قابل بررسی است. برای نمونه، با یادآوری

تصریحات ابوبکر درباره نیاز به امت و عدم برتری نسبت به دیگران، بحث را از دایره اختلافات مذهبی خارج و در بستر عقلانیت و رویکرد اجماعی مطرح می‌کند.

این روش سبب شد استدلال‌ات شیخ مفید برای مخاطبان عام نیز قابل پذیرش باشد و امکان مناظره علمی و غیرتعارضی حفظ گردد. همچنین، او از مواجهه صریح با نقاط اختلاف‌برانگیز اجتناب نموده و با انتخاب تعابیر مشترک، مناقشه را از سطح تقابل مذهبی مستقیم دور ساخته است. این تدبیر، نمونه‌ای روشن از بهره‌گیری از تقیه استدلالی است که طی آن، حقیقت اعتقادی با اتکا بر ادله عقلانی و عمومی - و نه صرفاً ادله خاص شیعی - مطرح می‌شود و ضمن حفظ احترام به فضای بحث، امکان استمرار گفت‌وگو نیز فراهم می‌آید.

#### ب- مناظره با علی بن عیسی الرمانی (استاد معتزلی)

در یکی از مناظرات، علی بن عیسی رمانی - استاد معروف و از اساتید شیخ مفید - درباره تفاوت «علم» و «روایت» سخن گفت. او رویدادهایی چون پنهان شدن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ابوبکر در غار را «علم» و حادثه غدیر را «روایت» می‌دانست و برای علم، ارزش و اعتبار بیشتری قائل بود. پس از پایان جلسه، شیخ مفید در گفتگویی خصوصی، از رمانی درباره حکم جنگ با «امام عادل» پرسید. رمانی ابتدا چنین فردی را «کافر» دانست، اما سپس با احتیاط، حکم را به «فاسق» تغییر داد. شیخ مفید با اشاره به نمونه روشن - جنگ طلحه و زبیر با امام علی (علیه‌السلام) در جمل - نظر رمانی را به چالش کشید و پرسید حکم چنین اشخاصی چیست؟ رمانی، که پاسخی قانع‌کننده نداشت، کوشید با تفکیک رویداد جمل به عنوان «علم» و توبه طلحه و زبیر به عنوان «روایت» از تناقض آشکار سخن خود دفاع کند، اما شیخ مفید این رویکرد را پرسش‌گرانه و بدون مقابله صریح، ناکارآمد و تناقض آن را روشن ساخت و رمانی را به سکوت واداشت. (ورام بن ابی فراس، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۰۴-۳۰۲؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۲۵: ج ۱، ۴۸۹).

**تحلیل مناظره و کار بست تقیه:** در این مناظره، شیخ مفید با تکیه بر تقیه استدلالی، بدون تقابل مستقیم و برانگیختن حساسیت، دیدگاه استاد خود را با طرح پرسش‌های دقیق و نمونه‌سازی نقد کرد. او با دوری از نزاع آشکار، تنها با تبیین منطقی و برجسته کردن تناقض در گفتار رمانی، زمینه را برای تأمل و پرسش نزد حضار ایجاد نمود؛ روشی که هم ماهیت تدافعی داشت و هم به گونه‌ای نرم و اقناعی به مشروعیت اندیشه شیعی درباره امامت و جایگاه امام عادل



اشاره می‌کند. این تدبیر هوشمندانه سبب شد حقیقت مورد نظر شیعه در فضایی آرام، علمی و قابل‌پذیرش برای مخاطبان غیرشیعی بیان و برجسته گردد.

### ج- مناظره با متکلم معتزلی منسوب به ابوهاشم جبایی

این مناظره با عالمی از متکلمان معتزله و از جماعت بهشیمه منسوب به ابوهاشم جبایی واقع شده است. وی مدعی شد که واژه «مولی» در عربی جاهلی و صدر اسلام هیچ‌گاه به‌معنای «رهبر» یا «امام» نبوده و ادعای شیعه دربارهٔ دلالت این واژه در خطبه غدیر بر امامت علی (علیه‌السلام)، مبتنی بر برداشتی نوپدید است. همچنین او وجود «نص صریح» از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) را بر امامت امام علی (علیه‌السلام)، ساخته و پرداخته شیعیان دانست و فاقد سابقهٔ ادبی معرفی کرد (الحسن، ۱۴۱۵: ج ۱، ۲۹۸). شیخ مفید در پاسخ، به شواهد ادبی و تاریخی استناد کرد: نخست اشعاری از اخطل شاعر مسیحی معروف اموی را نقل نمود که در آن، لفظ «مولی» دقیقاً به‌معنای پیشوا و مرجع ذکر شده است. همچنین نمونه‌هایی از آثار سید اسماعیل بن محمد، فقیه برجسته اهل سنت، آورد که صراحتاً تعبیر «نص صریح» پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دربارهٔ امامت علی (علیه‌السلام) در آن آمده است (رک: مفید، ۱۴۱۳: ۱-۱۶).

**تحلیل مناظره و کار بست تقیه:** در این مناظره، شیخ مفید به‌جای بیان صریح عقاید خاص شیعی که ممکن بود موجب واکنش یا حساسیت متکلم معتزلی شود، رویکرد «تقیه استدلالی» را برگزید. او با اتکاء بر منابع پذیرفته‌شده نزد مخاطب (مانند اشعار اخطل و آثار سید اسماعیل بن محمد)، نشان داد که فهم شیعه از واژه «مولی» و استناد به نص پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، نه نوظهور، بلکه ریشه‌دار در عرف زبانی و فرهنگ آن دوره است. مناظره‌کننده معتزلی که با این مستندات مواجه شد، پاسخی ارائه نداد و سکوت اختیار کرد. (همان)

به این ترتیب مفید نقش خود را به ناقلی بی‌طرف و مستند محدود کرد. این شیوه، ضمن تقویت اعتبار علمی استدلال و کاهش تنش، مسئولیت‌پذیری معنا و دلالت الفاظ را به‌عهدهٔ منابع رقیب می‌گذارد. لذا در عین دفاع غیرمستقیم و علمی از دیدگاه شیعی، استدلال را برای عموم اهل علم پذیرفتنی‌تر می‌کند و واکنش‌های احساسی را کاهش می‌دهد.

## د- مناظره با اصحاب حدیث در مورد آیه تطهیر (شأن نزول و دلالت آن بر عصمت اهل بیت (علیهم السلام))

در یک مناظره جمعی از اصحاب حدیث با شیخ مفید درباره مفهوم «اهل البیت» در آیه تطهیر (احزاب / ۳۳) به گفتگو پرداختند. آنان معتقد بودند که این واژه همه اهل خانه پیامبر، شامل زنان ایشان را نیز در بر می گیرد و بدین ترتیب، برداشت اختصاصی شیعه را به چالش کشیدند. شیخ مفید پاسخ خود مبنی بر دلالت آیه تطهیر بر عصمت اهل بیت (علیهم السلام) را بر دو محور بیان کرد:

نخست، براساس قواعد زبان عربی توضیح داد که به کارگیری ضمیر جمع مذکر («عنکم») و «یطهرکم») تنها می تواند به گروهی اشاره داشته باشد که دست کم یک مرد در میان آنان حضور دارد، پس همسران پیامبر را شامل نمی شود. دوم، با استناد به روایات معتبر از منابع مشترک، نشان داد که شأن نزول آیه مطابق روایات صحیح، منحصر به اهل کساء یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله)، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) است (علم الهدی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۵۵-۵۳).

**تحلیل مناظره و کار بست تقیه:** شیخ مفید در این مناظره با پرهیز از ورود به مجادله های مستقیم کلامی یا طرح بی پرده دیدگاه های اختصاصی شیعه - که می توانست حساسیت اصحاب حدیث را برانگیزد - از تقیه استدلالی بهره برد. او مبنای استدلال خود را بر قواعد پذیرفته شده زبان عربی و اصول نحوی گذاشت که مورد قبول تمام عالمان اسلامی و فارغ از گرایش مذهبی بود. سپس، به جای تکیه بر منابع صرفاً شیعی، روایات مشترک و مورد اجماع میان اهل حدیث و اهل سنت مانند حدیث کساء را محور قرار داد تا زمینه لغوی و روایی آیه را تبیین کند. این انتخاب، بحث را از تقابل شخصی خارج کرد و بار سنجش صحت دیدگاه ها را به معیارهای علمی و بی طرفانه منتقل ساخت. در نتیجه، شیخ مفید در جایگاه یک مفسر بی طرف ظاهر شد که یافته هایش را بر اساس معیارهای خود طرف مقابل بیان می کند، نه براساس تعصب مذهبی. این شیوه هم سطح علمی مناظره را ارتقا داد و هم از تنش های احتمالی کاست و درعین حال مقبولیت و اعتبار دیدگاه شیعه درباره عصمت اهل بیت (علیهم السلام) را برای جمع بزرگ تری از علما و اندیشمندان اهل سنت فراهم آورد.

### ۶-۳- مناظرات با محوریت تقیه خوفی (اضطراری)

منابع تاریخی و مناظرات بر جای مانده از شیخ مفید نشان می‌دهد که او به‌ندرت به «تقیه خوفی»، یعنی کتمان یا اجمال حقیقت در برابر تهدیدهای جانی و اجتماعی، متوسل شده است. روش غالب وی گفت‌وگوهای مداراتی و استدلال‌های علمی بود، اما فضای پرتنش عصر آل بویه، تنوع فرقه‌ای بغداد و تعصبات شدید فرقه‌ای و مذهبی میان اهل تسنن و تشیع، حضور جریان‌های افراطی ضدشیعی به‌ویژه حنابله و حنفیه (ابن مسکویه رازی، ۱۳۷۷: ج ۶، ۴۷۷؛ ابن‌أثیر، ۱۴۰۷: ج ۷، ۳۳) و نیز برخی قضات معتزلی با رویکرد تکفیری-شرایطی ایجاد کرده بود که بیان آشکار و بی‌پرده آموزه‌های خاص شیعه می‌توانست پیامدهای خطرناک برای فرد و جامعه به همراه داشته باشد. در چنین بستری، تهدید به تکفیر، فشار اجتماعی و حتی احتمال تعرض یا مجازات، واقعیت‌های ملموسی برای عالمان شیعه بود. از همین‌رو، هرچند ما با نمونه‌های صریح و ثبت‌شده‌ای از تقیه خوفی در مناظرات شیخ مفید روبه‌رو نیستیم، شواهد تاریخی به‌روشنی از نوعی احتیاط ساختاری در مواضع اعتقادی حساس حکایت دارد. شیخ مفید در چنین شرایطی، گفت‌وگو را بر «أدله مشترک عقلی و نقل‌های معتبر نزد اهل سنت» بنا می‌کرد و بحث‌ها را تا مرزهای کم‌خطر پیش می‌برد. او در مواجهه با موضوعات حساس، با تلطیف مفاهیم، حذف جزئیات حساس و گاه استفاده از شواهد محدود به سنت پیامبر و افراد مورد احترام همه مسلمانان، مانع برانگیختن واکنش‌های خصمانه می‌شد؛ درحالی‌که شرح تفصیلی آموزه‌های خاص امامیه را برای مجالس مطمئن و محدودتر نگاه می‌داشت. این عملکرد با اصل فقهی «لا ضرر ولا ضرار» و منطق حفاظت از مصالح جمعی هم‌راستا بود. پرهیز از مواجهه تند، نقد ملایم ضعف استدلال رقیب، عبور محتاطانه از کنار نقاط مناقشه‌برانگیز و تمرکز بر سیره مشترک پیامبر و خاندانش، همگی ابزارهایی بودند که به شیخ مفید امکان می‌داد فضای بحث را کنترل کرده و از تشدید خصومت بپرهیزد.

با چنین رویکردی، حتی اگر نتوان مصداقی قطعی از کاربرد تقیه خوفی در مناظرات او یافت، می‌توان گفت شرایط تاریخی و اجتماعی بغداد عصر وی، نوعی «حساسیت سنجی مستمر» را در گفتار و رفتار علمی اش شکل داده بود. این حساسیت، حاصل آگاهی عمیق از خطرات بالفعل و بالقوه و باور به لزوم صیانت از جان و کیان جامعه شیعی بود. درنتیجه، تقیه خوفی نزد شیخ مفید بیش از آنکه یک اقدام موردی باشد، یک «ذهنیت راهبردی» و بخشی از عقلانیت دینی او در برابر

فضای پرخطر زمانه به‌شمار می‌آید؛ ذهنیتی که می‌توان به استناد شواهد تاریخی و تحلیل بافت اجتماعی، آن را اثبات و تبیین کرد. تهدید امنیت اجتماعی با شعارهای ضدشیعی و رفتارهای خشونت‌آمیز مانند شورش حنبلیان علیه عزاداری عاشورا در سال ۳۶۳ق، که به درگیری‌های خونین در بغداد انجامید و حمله به مجالس عمومی شیعیان و تعطیلی اجتماعات مذهبی با فشار علمای متعصب اهل سنت در سال ۳۹۹ق، مصادیقی از این شواهد است (ابن‌أثیر، ۱۴۰۷: ج ۷، ۳۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۲). همچنین قضات معتزلی که گاه از سوی خلافت عباسی یا جریان‌های سنی مذهب منصوب می‌شدند نیز در مواردی رویکردهای تکفیری نسبت به شیعه داشتند و خطر صدور احکام کیفری یا محرومیت‌های اجتماعی علیه عالمان امامیه وجود داشت. در این دوره هرگاه متداعیان، مذهبی جز مذهب رایج در شهر داشتند قاضی شهر، قاضی دیگری را که بر مذهب متخاصمان بود، به نیابت از سوی خود مأمور می‌ساخت تا در آن مورد دادرسی کند (کیلانی نجفی، بی‌تا: ۳۰، نقل از: محقق داماد، ۱۴۰۶: ج ۳، ۲۶).

در بررسی مناظرات شیخ مفید، تقیه مداراتی و تقیه استدلالی به‌عنوان رویکردهای غالب، موجب تلطیف فضای گفتگو، تقویت همزیستی مذهبی و نفوذ تدریجی باورهای شیعه در میان مخالفین گردید. با این حال، در مواردی که فضای اجتماعی و سیاسی، خطرات جدی و تهدیدات بالفعل را متوجه فرد یا جامعه شیعی می‌ساخت، تقیه خوفی در اولویت قرار می‌گرفت و شیخ مفید با تعدیل یا اجمال در بیان و گاه با سکوت هدفمند، زمینه دفع ضرر و حفظ مصالح فردی و جمعی را فراهم می‌کرد. این ترکیب سنجیده و انعطاف‌پذیر کاربست انواع تقیه، بیانگر عمق عقلانیت و پویایی فقهی شیخ مفید است و سهم بسزایی در استمرار و تأثیرگذاری مکتب تشیع در شرایط دشوار و ناسازگار بغداد داشته است.

#### ۷- تحلیل نهایی جلوه‌ها و کارکردهای تقیه در رویکرد علمی و مناظرات شیخ مفید

جلوه‌ها و کارکردهای تقیه را در منظومه فکری و کنش مناظراتی شیخ مفید را می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

- مدیریت بحران‌های عقیدتی و کاهش تنش‌های اجتماعی
- دفاع از جان و موقعیت اجتماعی شیعه
- برقراری تعامل سازنده با مخالفان و تعدیل خصومت‌ها

- استدلال عقلانی و مداراتی در تثبیت مکتب امامیه  
- انتخاب سخن و زمان مناسب و رعایت سطح احتیاط  
- شفافیت و صراحت در بیان، همراه با پنهان‌سازی اصول در مواقع ضرورت  
این راهبردها گواه آن است که تقیه در منظومه فکری شیخ مفید، نه فقط ابزاری تدافعی، بلکه تدبیری عقلانی و روشی تعاملی برای صیانت از حقیقت، حفظ جامعه و توسعه ارتباطات علمی بوده است.

#### ۸- نتیجه‌گیری

- ۱- بررسی مناظرات و تعاملات علمی شیخ مفید با مخالفان در بستر تاریخی-اجتماعی عصر آل بویه، نشان داد که «تقیه» در منظومه فکری و عملی نه یک تاکتیک مقطعی و صرفاً فردی، بلکه اصلی عقلانی و راهبردی برای حفظ مصالح دین و جامعه شیعه در مواجهه با مخاطرات به‌شمار می‌آید.
- ۲- شیخ مفید بر پایه تحلیل موقعیت، نوع مخاطب و سطح تهدید، از انواع گوناگون تقیه بهره می‌گرفت؛ و بدین‌سان میان تعامل عالمانه، استدلال عقلانی و دفاع از کیان تشیع، تعادل برقرار می‌ساخت.
- ۳- تدوین و تبیین انواع تقیه در عملکرد وی - اعم از مداراتی، استدلالی و خوفی - نشان داد که تقیه نزد او نه نشانه ضعف یا انفعال، بلکه ابزاری برای تحقق عقلانیت دینی و مصون‌داشتن هویت و معارف امامیه بوده است؛ ابزاری که از طریق آن، شیخ مفید توانست ضمن پاسداری از اصول، بقای اجتماعی و فکری شیعه را حتی در شرایط بحرانی تضمین کند.
- ۴- بنابراین، اصل تقیه در سیره شیخ مفید، به‌مثابه نمود هم‌افزایی میان فقه و عقلانیت عملی و ایده‌ای پیشرو برای مواجهه با چالش‌های عقیدتی و اجتماعی در طول تاریخ تشیع نقشی بنیادین ایفا می‌کند. چنین روایتی می‌تواند برای مقارنه با تجربه‌های متأخر یا معاصر شیعه و الگوبرداری برای مواجهه مسئولانه و اخلاقی با اختلافات مذهبی راهگشا باشد.

## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، (۱۴۰۷)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۶۴)، *تاریخ ابن خلدون*، مترجم: عبدالمدحت آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳. ابن مسکویه رازی، احمد بن محمد، (۱۳۷۷)، *تجارب الامم*، تهران، دار سروش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
۵. اعرابی، غلامحسین، (۱۳۹۴)، «تقیه از نگاه مفسران و فقیهان فریقین»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۵۰، صص ۲۸۷-۲۷۵.
۶. بارانی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، *بررسی تاریخ تعامل فکری و سیاسی امامیه با فرقه‌های معتزله، حنابله و اشاعره در عصر آل بویه در بغداد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بنایی، علی، (۱۳۹۱)، *تقیه از منظر فقهات، تاریخ و سیاست*، قم، نور مطاف.
۸. جعفریان، رسول، (۱۴۱۳ق)، «مناسبات فرهنگی معتزله و شیعه»، قم، *مجموعه مقالات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید*.
۹. حر عاملی، محمدحسن، (بی تا)، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث.
۱۰. الحسن، عبدالله، (۱۴۱۵)، *المناظرات فی الامامة*، قم، انوار الهدی.
۱۱. خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۲۰)، *الرسائل العشرة*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۱۳. خویی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، *مصباح الفقاهة*، قم، انوار الهدی.
۱۴. \_\_\_\_\_، (بی تا)، *التنقیح فی شرح العروة الوثقی*، بی جا، بی نا.
۱۵. زرچینی، رسول، (۱۴۰۲)، «میراث دوگانه قرن شیعه: همگرایی و واگرایی مذاهب اسلامی در عصر آل بویه»، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، شماره ۸۲، ۱۵۸-۱۲۷.
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۳)، *تاریخ مردم ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه*، تهران، امیرکبیر.
۱۷. سرخسی، محمد بن احمد، (۲۰۰۰م)، *المبسوط*، بیروت، دارالمعرفة.
۱۸. شوشتری، نورالله، (۱۳۷۷)، *مجالس المؤمنین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۱۹. صولی، ابوبکر محمد بن یحیی، (۲۰۰۴)، *الأوزاق قسم اخبار الراضی بالله والتمتقی لله او تاریخ*،

- قاهرة، مطبعة الصاوى.
۲۰. علم الهدى، على بن حسين، (۱۴۱۳ق)، *الفصول المختارة من العيون والمحاسن*، قم، كنگره شيخ مفيد.
۲۱. على تبار، رمضان، (۱۴۰۰)، «بررسی کاربردها و کارکردهای عقل از منظر قرآن»، *دوفصلنامه عقل ودين*، شماره ۲۴، ۱۱۳-۹۷.
۲۲. غفوری منش، محمد و حمید حمیدیان، «نقش عقل در رفتار انسان بر اساس روایات علوی»، *دوفصلنامه عقل ودين*، شماره ۲۶، ۱۴۰-۱۲۷.
۲۳. کاشف الغطاء، جعفر، (۱۳۸۰)، *کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۴. کیلانی نجفی، شعبان، (بی تا)، *القضاء فی الاسلام*، تهران، بی نا.
۲۵. مؤمنی، عابدین، (۱۳۹۸)، «مشروعیت تقیه و احکام آن از دیدگاه مذاهب اسلامی»، *نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۲۱، صص ۳۴۴-۳۱۷.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الائمة الأطهار*، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۴۰۶ق)، *قواعد فقه*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. مصاحب، غلامحسین، (۱۳۸۷)، *دایرة المعارف فارسی*، تهران، شرکت سهامی کتب جیبی.
۲۹. مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، *مجموعه آثار*، قم، صدرا.
۳۰. مظفر، محمدرضا، (بی تا)، *عقاید الامامية*، بی جا، بی نا.
۳۱. مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۱۴۱۳)، *رسالة فی معنى المولى*، قم، المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
۳۲. —————، (۱۴۱۴)، *تصحیح اعتقادات الامامية*، قم، کنگره شيخ مفید.
۳۳. مقدس اردبیلی، احمدبن محمد، (۱۴۲۵)، *حديقة الشیعة*، قم، انصاریان.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۰)، *القواعد الفقهية*، قم، مدرسة الامام أميرالمؤمنین.
۳۵. موسوی سنغلاخی، سید محمد یعقوب، (۱۳۹۲)، *مبانی فقهی تقیه مداراتی*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام).
۳۶. نجاشی، احمدبن علی، (۱۴۰۷ق)، *رجال النجاشی*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۳۷. ورام بن ابی الفراس، ابوالحسین مسعودبن عیسی، (۱۴۱۰)، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر*، قم، مكتبة الفقيه.

۱۳۸ ■ راهبرد تقیه در اندیشه و مناظرات شیخ مفید؛ تلفیق مدارا، دفاع و نوآوری کلامی

۳۸. همایون مصباح، سید حسین، (۱۳۹۳)، «تقیه؛ راهبرد اصلاحی و صیانت از حق»، پژوهشنامه فقه، شماره اول، ۱۳۴-۱۱۳.

۳۹. یاقوت حموی، شهاب‌الدین، (بی‌تا)، معجم الأدباء، قاهره، دار المأمون.